نوع مقاله: پژوهشی

فصلنامه چشم انداز شهرهای آینده
www.jvfc.ir
دوره چهارم، شماره چهارم، پیاپی (۱۶)، زمستان ۱۴۰۲
صص ۱۱۳-۹۷

تحلیل تاثیر مهاجرت بر نوسانات نرخ رشد جمعیت

مطالعه موردی استان کرمانشاه[۱]

دکتر سعیده شهبازین: استادیار موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران[۲].

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

چکیده

امروزه با ثبات نسبی و همگرایی در نرخ باروری و مرگ ومیر مناطق مختلف از یک سو و افزایش میزان و شدت مهاجرت از سوی دیگر، هم اکنون مهاجرت به عنوان عامل مهم جمعیتی در تغییرات جمعیت مناطق داخلی، ایفای نقش می‌کند. استان کرمانشاه نیز به مانند بسیاری از مناطق دیگر کشور در معرض این تغییرات جمعیتی بوده است. اما آنچه شرایط این استان را متفاوت کرده جریان‌های مهاجرتی آن است. در دهه‌های گذشته به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این استان همواره با مهاجرفرستی گسترده¬ای روبرو بوده است. از این رو در تحقیق حاضر با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری دو دهه ۹۵-۱۳۸۵، تلاش شده است که تاثیر مهاجرت این استان بر نرخ رشد جمعیت آن مورد بررسی قرار گیرد. نتایج حاکی از آن است که استان کرمانشاه در در دو دوره ۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰ به ترتیب با خالص مهاجرتی ۳۷۷۵۵- و ۳۴۹۲۸- دومین استان مهاجرفرست کشور بوده است. در دوره ۹۵-۱۳۹۰ با باوجود کاهش شدت مهاجرت‌های این استان، اما سهم زیادی از مهاجرت¬های صورت گرفته به سمت مهاجرت برون استانی بوده است. استان¬های تهران، البرز، همدان و مرکزی نقش اصلی و پررنگی در خالص مهاجرتی منفی این استان دارند. مهاجرت در دو دوره مورد بررسی به ترتیب موجب کاهش ۰/۳۳ و ۰/۳۵ درصدی نرخ رشد سالانه جمعیت بوده است، بطوریکه نرخ رشد واقعی جمعیت را از ۱/۱ به ۰/۶۷ در دوره ۹۰-۱۳۸۵ و از ۰/۴۵ به ۰/۱۰ در دوره ۹۵-۱۳۹۰ کاهش داده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت داخلی، نرخ رشد مطلق، نرخ رشد طبیعی، استان کرمانشاه

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان" برآورد رشد جمعیت ناشی از مهاجرت طی دوره ۹۵-۱۳۸۵" می‌باشد که در سال ۱۴۰۰ با حمایت مالی موسسه تحقیقات جمعیت کشور انجام شده است.

۲. نویسنده مسئول: saeedehshahbazin2@gmail.com

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

مقدمه

مهاجرت به عنوان پدیده‌ی اجتماعی- اقتصادی، برآیند مجموعه‌ای درهم تنیده از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که در کنار دو عامل جمعیتی مرگ‌ومیر و باروری، از سه مؤلفه اصلی اثرگذار بر تغییرات جمعیت‌های انسانی است که علاوه بر تغییرات کوتاه مدت، به دلیل تاثیرگذاری بر ساخت و ترکیب جمعیت، تغییرات دراز مدتی را نیز در مبدا و مقصد ایجاد می‌کند. علاوه بر آن، مهاجرت یکی از مهمترین منابع تأمین نیروی‌انسانی لازم برای بازارهای کار و توسعه اقتصاد ملی و محلی است. از این‌رو شناخت هرچه بیشتر و جامع‌تر مهاجرت یک ضرورت مطلق در تحقیقات علمی و برنامه‌ریزی‌های کاربردی است.

در سراسر جهان به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، همزمان با تغییرات اقتصادی-اجتماعی، تغییرات و به عبارتی گذار جمعیتی نیز آغاز شد. در پی تغییر و تحولات بهداشتی و پزشکی میزان مرگ و میر و به دنبال آن میزان موالید نیز کاهش یافت اما مهاجرت و جابجایی جمعیت به واسطه پیشرفت وسایل حمل و نقل و گسترش ارتباطات به عکس باروری و مرگ و میر، افزایش زیادی پیدا کرد، همین امر موجب شد که مهاجرت به عنوان پدیده‌ای جمعیتی مطرح شود. درنتیجه این تغییرات جمعیتی باید اظهار کرد تغییر حجم و درواقع رشد جمعیت منطقه‌ای معلول دو عامل مهم و تاثیرگذار رشد طبیعی جمعیت (باروری و مرگ‌ومیر) و مهاجرت است. امروزه با ثبات نسبی و نیز همگرایی در نرخ باروری و مرگ‌ومیر مناطق مختلف از یک سو و افزایش میزان و شدت مهاجرت از سوی دیگر، سهم مهاجرت در تغییرات جمعیتی برجسته‌تر شده و درواقع هم اکنون بجای تغییرات باروری و مرگ‌ومیر عامل اول تغییرات جمعیت مناطق داخلی، مهاجرت می‌باشد (بل و همکاران، ۲۰۱۵).

در نیم‌قرن گذشته، ایران نیز به مانند بسیاری از کشورهای دنیا با فراز و نشیب‌هایی در سیاست‌های جمعیتی و به تبع آن تغییر در حجم و رشد جمعیت روبرو بوده است که تجربه این تغییرات برای همه‌ی مناطق و سکونتگاه‌های کشور یکسان نبوده است. مطالعه عوامل مؤثر در رشد جمعیت ایران در قرن اخیر نشان می‌دهد که تغییرات مرگ‌ومیر و شرایط بهداشتی جامعه نقش تبیین‌کننده‌ای در تغییرات جمعیتی ایران داشته است. با بهبود شرایط بهداشتی و کنترل بیماری‌های واگیر (خسروی و همکاران، ۲۰۰۷؛ خسروی و همکاران، ۱۳۹۱) و افزایش امیدزندگی (ساسانی پور و همکاران، ۱۳۹۶؛ ساسانی‌پور و اسعدی، ۲۰۱۸)، باروری به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار بر رشد جمعیت موردتوجه قرار گرفت. یافته‌های مرتبط با باروری نشان می‌دهد میزان باروری کل در ایران به سطح زیر جانشینی رسیده است، در چنین شرایطی مهاجرت از تعیین کننده‌های میزان رشد جمعیت در تقسیم‌بندی‌های استانی و واحدهای کوچک‌تر است (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲).

استان مرزی کرمانشاه نیز به مانند بسیاری از مناطق دیگر کشور در معرض این تغییرات جمعیتی بوده است، اما آنچه شرایط این استان را متفاوت کرده جریان‌های مهاجرتی آن است. در دهه‌های گذشته به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این استان با مهاجرت‌های گسترده ای روبرو بوده است. استان‌های آذربایجان شرقی، همدان و اردبیل همواره جزء استان‌های مهاجرفرست بوده‌اند اما بررسی جریانات مهاجرتی دهه‌ی ۷۵-۱۳۶۵ و دوره‌های بعد از آن نشان داد که استان کرمانشاه نیز به استانی مهاجرفرست تبدیل شده است که هر ساله بخشی از جمعیت خود را به واسطه مهاجرت از دست می‌دهد. باتوجه به این مهم که عمده مهاجران را افراد جوان، در سن کار و نیز دارای تحصیلات دانشگاهی تشکیل می‌دهند، این ضرر جمعیتی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز تاثیرگذار است. لذا بایستی آن را پدیده‌ای جدی و قابل تامل و تعمق به حساب آورد.

بر اساس داده‌های سرشماری، طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، خالص مهاجرتی استان کرمانشاه برابر با ۱۱۹۱۳۸- نفر به دست آمده است که مهاجرفرستی این استان را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه اینکه، در این دوره تراز مهاجرتی استان کرمانشاه با همه استان‌های کشور منفی بوده است. این روند مهاجرفرستی در دوره‌ی بعدی نیز ادامه پیدا کرد بطوریکه تعداد خالص مهاجرت در دوره ۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰ به ترتیب به ۳۸۷۱۹- و ۳۴۹۸۰- نفر رسید. این خالص مهاجرتی نشان

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

می‌دهد که استان کرمانشاه در هر دوره چیزی حدود ۲ درصد از جمعیت خود را روانه دیگر مناطق کشور می‌کند. مقایسه این استان در کشور نشان می‌دهد که کرمانشاه پس از استان‌های بزرگی مانند تهران، البرز، اصفهان و خوزستان دارای بالاترین تعداد مهاجران خارج شده است در حالی که کمترین مهاجران وارد شده را داراست که این موجب شده است تا در لیست پنج استان مهاجرفرست کشور قرار گیرد. بدیهی است این مهاجرفرستی، تاثیرات منفی در میزان رشد جمعیت استان بر جایی می‌گذارد و باتوجه به انتخابی بودن مهاجران و تفاوت ویژگی‌ها و خصوصیت مهاجران از جامعه مبدا، این شدت مهاجرفرستی استان بر ساختار سنی، نسبت جنسی و حتی گروه فعالین نیز تأثیرات منفی داشته و عواقب و پیامدهای جدی برای جمعیت و توسعه در استان به دنبال دارد.

با اینکه بحث نرخ رشد جمعیت یکی از زمینه‌های جمعیتی مهم تحت تأثیر مهاجرت است، اما در این زمینه مطالعات محدودی صورت گرفته است و از میان مطالعات صورت گرفته نیز، تعداد کمی از این آثار به مهاجرت به‌عنوان یک متغیر توضیحی در تجزیه‌وتحلیل تجربی رشد جمعیت توجه کرده‌اند و عمده آنها به‌صورت نظری به این رابطه پرداخته‌اند.

در اولین مطالعات صورت گرفته در این زمینه بارو و سالا مارتین[1] (۱۹۹۵) تاثیر مثبت و افزایشی نرخ خالص مهاجرت در رشد جمعیت کشورهای مختلف توسعه‌یافته (ایالات‌متحده، ژاپن، آلمان، انگلستان، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا) را نشان دادند. کرده‌اند. پکالا و کانگاشرجو[2] (۱۹۹۸) و تویا، هوسونو و تاتسوجی[3] (۲۰۰۴) بر نتایج یکسانی یعنی عدم قابل توجه بودن تاثیر مهاجرت بر نرخ رشد در طی سال‌های ۱۹۸۰–۲۰۰۰ تاکید داشتند. در مقابل این تحقیقات، مطالعات متعددی انجام شد که به نقش مهاجرت در نرخ رشد جمعیت تأکید کردند و تأثیر مثبت آن را نشان دادند. کستبای و ویسترلاند[4] (۲۰۰۷)، کردار و سیرین[5] (۲۰۰۷) و اتزو[6] (۲۰۰۸) در مطالعات متعدد تاثیر معنی دار مهاجرت بر نرخ رشد مناطق مختلف را نشان دادند و تاکید داشتند که بر اساس مدل رشد استاندارد پیش‌بینی، اجازه تحرک نیروی کار در مناطق مختلف، باعث افزایش سرعت همگرایی در سطوح درآمد سرانه می‌شود و در نتیجه مهاجرت تأثیر منفی بر نرخ رشد منطقه دارد.

مرور ادبیات و پیشینه پژوهشی جمعیت‌شناسی در کشور، در چهار حوزه اصلی مطالعات جمعیت‌شناسی، بیانگر این است که در خصوص مهاجرت‌های داخلی و پیامدها و تأثیرات آن بر رشد و تغییرات جمعیتی، دانش قابل‌ملاحظه‌ای در کشور تولید نشده است. ساختار نظام مهاجرتی و تحولات آن در عین اهمیتی که در مطالعات جمعیت‌شناسی کشور دارد، بحثی است که اساساً کمتر به آن پرداخته‌شده است. بیشترین مطالعات انجام‌شده در خصوص مهاجرت در ایران به موضوعات مختلفی ازجمله تحولات آماری مربوط می‌شود که بخش قابل‌توجهی از آن از دهه ۱۳۴۰ آغاز شد. درمجموع در برخی از بررسی‌ها، مهاجرت در ایران در دو دوره کلی قبل و بعد از اصلاحات ارضی مورد بررسی قرارگرفته است (طالب، ۱۳۶۸). بسیاری از پژوهش‌ها تنها به تحلیل آماری مهاجرت در دوره‌های مختلف پرداخته‌اند (محمودی و دیگران، ۱۳۸۹؛ زنجانی، ۱۳۷۵).

در زمینه بررسی تأثیرات مهاجرت، مطالعات مختلفی صورت گرفته است. مطالعاتی که در آنها به بار مثبت و منفی ناشی از مهاجرت پرداخته‌اند. در برخی از مطالعات به تأثیرات مهاجرت و تغییراتی که در ساختارهای شغلی، رفاهی، جنسی و آموزشی ایجاد می‌نماید (ارشاد و مینا، ۱۳۸۹) اشاره شده است. علاوه بر پیامدهای اقتصادی، به پیامدهای روانی مهاجرت نیز اشاره‌شده است (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸) ازجمله این تأثیرات به افزایش آگاهی، آموزش بهتر، روابط اجتماعی و گذران اوقات فراغت جوانان به‌عنوان پیامدهای غیراقتصادی مثبت و قطع ارتباط جوان با خانواده خود در روستا، بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان پیامدهای منفی مهاجرت اشاره‌شده است (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸). بحران مسکن (صرافی،

1 -Barro & Sala-i-Martin
2 -Pekkala & Kangasharju
3 -Toya, Hosono & Tatsuji
4 -Østbye & Westerlund
5 -Kirdar & Sirin
6 -Etzo

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

۱۳۸۱)، رشد مشاغل غیررسمی، پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی و تغییر فرهنگ روستایی (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۵)، بیکاری پنهان، بزهکاری‌های اجتماعی (ایمان، ۱۳۶۸؛ زمانی، ۱۳۸۸؛ اصلانی، ۱۳۸۵) از جمله پیامدهای دیگری است که در مطالعات مختلف به آن پرداخته‌شده است.

مرور پیشینه علمی مهاجرتی کشور نشان داد که در حوزه تأثیر مهاجرت بر تغییرات حجم و به‌صورت کلی رشد جمعیت، مطالعه‌ای صورت نگرفته است. تنها مطالعه در این زمینه، تحقیقی است که شهیری ثانی و حزباوی (۱۳۹۸) انجام داده‌اند. در این مطالعه آنها به بررسی اثر مهاجرت بر کاهش جمعیت استان خوزستان پرداخته‌اند و نشان دادند که حدود ۰/۲۵ درصد از کاهش رشد جمعیت خوزستان در سال ۱۳۸۵ و ۰/۶۲ درصد در سال ۱۳۹۰، ناشی از مهاجرت در این استان بوده است. در این مطالعه تنها استان خوزستان و در دو دوره مورد بررسی قرارگرفته است. پس می‌توان به قطع گفت که مطالعه‌ای کلان و ملی در کشور صورت نگرفته است. به‌طورکلی مرور مطالعات انجام‌شده نشان از شکاف عظیم مطالعاتی در حوزه مهاجرت داخلی در ایران و خارج از کشور دارد. با ظهور و اهمیت یافتن مهاجرت داخلی در دنیا، در چند سال اخیر ابعاد روشی و مفهومی غنی و روبه رشدی در این حوزه معرفی‌شده و در سطح دنیا در حال انجام است. این در حالی است که حوزه مهاجرت‌های داخلی در کشور نسبت به دو حوزههای دیگر جمعیت- مرگ‌ومیر و موالید- از توجه کمتری برخوردار بوده و همین امر، خلأ تحقیقاتی بزرگی در این حیطه ایجاد کرده است که توجه محققین و متخصصین امر را می‌طلبد. لذا نظر به اهمیت و لزوم توجه به عوامل جمعیتی در برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای توسعه، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری اصولی بدون تحلیل صحیح و همه‌جانبه مسائل جمعیتی از جمله مهاجرت غیرممکن است؛ لذا باتوجه به موقعیت و وضعیت استان کرمانشاه هم به لحاظ سیاسی اجتماعی و هم جمعیتی و نیز وجود بسیاری از مشکلات و مسائل که از پیامدهای منفی مهاجرت و حجم بالای آن در استان است، پژوهش درباره‌ی آن باید به عنوان یک ضرورت در نظر گرفته شود. در نتیجه هدف اصلی این مطالعه شناسایی ساختار و روند مهاجرت‌های بین استانی استان کرمانشاه طی دو دهه‌ی ۹۵-۱۳۹۰ و ۹۰-۱۳۸۵ و تأثیر آن بر میزان رشد جمعیت استان است. شناسایی ساختار و روند مهاجرت‌های استان می‌تواند در پیش‌بینی آینده تحرکات جمعیتی برای برنامه‌ریزی مؤثر واقع شود و به تبیین راهکارهای مؤثری برای کاهش مهاجرفرستی در استان کمک کند.

مبانی نظری

ابعاد گسترده و پیچیدگی مهاجرت باعث شده تا محققان بی‌شماری مهاجرت را در حوزه‌های مختلف بررسی کنند. پدیده مهاجرت به دلیل بین رشته‌ای بودن، موضوع بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، اجتماعی و اقتصادی است. با توجه به اینکه تعاریف قراردادی مهاجرت، بیشتر مبتنی بر ابعاد زمانی و مکانی است، زمانی جابه‌جایی میتواند به‌عنوان مهاجرت تلقی شود که تغییری را در موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرد حرکت‌کننده به وجود آورد (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۱۲۶). هانسن هم جزو کسانی است که نسبت به مهاجرت نظر مثبت دارد. او متعقد است که مهاجرت در حقیقت کمی ماجراجویی در بردارد، و ضمناً باعث ایجاد ارتباطات جدید اجتماعی می‌شود و در واقع، مهاجرت نشانه پیشرفت و زندگی است (خباز بهشتی، ۱۳۸۱: ۶۵). در شکل کلی، نظریات کلاسیک به نوعی مهاجرت را عقلایی و هدفدار میدانند و ماهیت تصمیم‌گیری‌های مهاجر را کاملاً عقلایی و از طریق موازنه هزینه‌ها و منافع فرض می‌کنند و معتقدند با این پیشینه، شخص پس از مهاجرت در مقصد میتواند به راحتی جذب یا در نظام ارزشی مسلط حل شود (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۰: ۲۰۰). در مورد مهاجرت، دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی وجود دارد که هر یک از آن‌ها از زوایای مختلف به این پدیده نگریسته‌اند؛ دراینجا باتوجه به موضوع مطالعه در باب نقش مهاجرت در رشد جمعیت، مبانی نظری تبیین کننده اثرات جمعیتی مهاجرت مد نظر می‌باشد.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

نظریات اثرات و پیامدهای مهاجرت

اثرات اقتصادی مهاجرت: برخی از نظریات درمورد تاثیر مهاجرت، بر زمینه اثرات اقتصادی متمرکز شده‌اند. بسیاری از مهاجرین معتقدند که پس از مهاجرت درآمد واقعی و وضعیت شغلی آنها بهتر شده است. مهاجرینی که همتراز شهروندان یا حتی بهتر از آنان هستند، معمولا بهتر از مردم مبدا جذب شده‌اند. آنها ممکن است بهتر آموزش داده شده و با درنظر گرفتن سن و جنس، در یک سطح اقتصادی بالاتر از شهروندان قرار گیرند. در بسیاری از مطالعات، تحرک اقتصادی را به عنوان تغییر وضعیت از بیکاری به اشتغال تعریف کرده و بعضی معیار درآمد واقعی بیشتر را به کار می‌گیرند. افرادی که تحصیلات بیشتری دارند و از نظر اقتصادی بهار هستند، ظاهرا تحرک اقتصادی بالاتری دارند. تحرک اقتصادی در میزان درآمد نیز منعکس می‌گردد. تجزیه و تحلیلی جدید در این زمینه نشان می‌دهد که مهاجرین بعد از مهاجرت درآمد بیشتری داشته و درضمن مهاجرین جدید نسبت به مهاجرین قدیمی درآمد بیشتری داشته و این به دلیل جوانی، تحصیلات بیشتر و تلاش به منظور احراز مشاغل بهتر بوده است.

همچنین بر حسب اینکه مهاجرت به صورت فردی صورت گرفته است یا خانواری، اثرات مختلفی بر جای می‌گذارد. در شرایطی که یک فرد به تنهایی مهاجرت می‌کند و بقیه اعضای خانواده در مبدا می‌مانند، امکان دارد که برای خانوار در مبدا پیامدهایی داشته باشد. اگر فرد مهاجر یکی از اعضای وابسته باشد (خواه نوجوان یا سالمتدی فاقد درآمد) درنتیجه مصرف سرانه خانوار افزایش می‌یابد اما اگر فرد مهاجر فرد بالغ خانواده باشد که از نظر اقتصدی مولد و سودآور بوده باشد موجب کاهش سرانه خانوار می‌شود. از سویی دسترسی به اطلاعات تازه و تماس‌هایی که خانواده مهاجر از طریق او با منطقه مهاجرت شده برقرار می‌کند، ممکن است منجر به مهاجرت اعضای خانواده شود. این تماس‌ها ممکن است نه تنها تاثیرهای مثبتی بر تولید داشته‌باشد بلکه گرایش‌های مصرفی اعضای خانوار را نیز بالا ببرد و از این رو تمایل به پس انداز و سرمایه‌گذاری و درنتیجه سطح زندگی را در درازمدت پایین آورد.

تاثیرات اجتماعی و جمعیتی مهاجرت: تحولات اجتماعی و اقتصادی که یک مهاجر تجربه می کند تابع یکدیگر می باشند. اگر چه نمی توان بین عوامل اقتصادی و اجتماعی مرزی مشخص قائل شد، اما منظور از نتایج اجتماعی، تغییرات در شبکه، الگو و نگرش در مورد روابط اجتماعی است که شامل تغییرات نقش‌ها در خانواده و در روابط با اشخاص دیگر و همسایگان است. برای مهاجران روستا به شهری مهم ترین تغیرات اجتماعی تغییر از شیوه زندگی روستایی به شیوه زندگی شهری است. مهاجران شهری به شهری نیز ممکن است تغییرات ناشی از سکونت مجدد را تجربه کنند. عوامل اجتماعی بر اشتغال و در آمد نیز تاثیر می گذارد. اهمیت بستگان و دوستان: هیچ شکی نیست که بستگان کمک اساسی به مهاجران می کنند. اشخاصی که مهاجران در بدو ورود پیش آنها می مانند تاثیر بسیار زیادی دریافتن سریع شغل و محل مناسب دارند. جاذبه همزیستی مهاجر با بستگان غالباً به قدری قوی است که حتی اگر این امر شانس اشتغال مهاجر را پایین آورد در نزدیکی آنها در حومه شهرها می ماند. دوستان و اقوام در شهر سازگاری مهاجر با شهر را به طرق مختلف تسهیل می کنند. آنها کمک‌های نقدی یا جنسی را به خانواده تا یافتن منبع در آمد، تامین مسکن موقتی یا دائمی، تسهیل انتقال از رسوم روستای به شهری و شاید در امر مهم کاریابی ادامه می دهند. اگرچه مهاجران در بدو ورود به جامعه جدید به بستگان یا دوستان اتکا کرده اما در محل جدید دوست‌های جدید پیدا می کنند که این دوستان جدید منبع رضایت بیشتری می شوند (فیندلی، ۱۳۷۳: ۷۲).

از دیگر پیامدها می توان به موارد زیر اشاره کرد: الف) افزایش یا کاهش تعداد جمعیت: مهاجرت‌ها چه به صورت بین المللی جریان یابند و چه در داخل مرزهای یک کشور رخ دهند همواره موجب کاهش جمعیت نواحی مهاجر فرست و افزایش جمعیت نواحی مهاجر پذیر می‌شوند. این افزایش و کاهش در مواردی کند و مستمر و در مواردی تند و مقطعی است. از جریانات آرام و طولانی می‌توان از مهاجرت‌های روستا شهری درکشورهای در حال توسعه یاد کرد. تفاوت سطح توسعه و چگونگی بازار کار، به‌تدریج بخشی از جمعیت روستایی را روانه شهرها و نقاط پیرامونی آنها می‌کند. در مقابل این نوع مهاجرت‌ها که به آرامی جریان می‌یابد مهاجرت‌هایی نیز وجود دارند که به دلایل مختلف در یک دوره کوتاه

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

مدت سیل عظیمی از مهاجران را راهی سرزمین‌های معینی می‌کنند و مسایل مشکلات خاصی را چه برای مهاجران و چه برای سرزمین‌های پذیرای آنان فراهم آورند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). ب) تغییر ترکیب جمیعت: این تغییر عمدتاً به دو صورت تغییر در ترکیب جنسی و تغییر در ترکیب سنی خود نمایی می‌کند و تغییر در ترکیب قومیت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز به دنبال می‌آورد در مواردی مهاجرت‌ها به شکل خانواری انجام می‌گیرد و تاثیر چندانی برترکیب جنسی و سنی جمعیت باقی نمی‌گذارد مگر آنکه ساختار جمعیتی مبدا مهاجرتی، تفاوت‌های بارزی با ساختار جمعیتی مقصد مهاجرتی داشته باشد. ولی در بسیاری از موارد نسبت مردان در بین مهاجران، بیش از نسبت زنان است. در این حالت مهاجرت باعث افزایش نسبت جنسی جمعیت در منطقه مهاجر پذیر و کاهش آن در منطقه مهاجرت فرست می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۷۶). ج)تسریع رشد جمیعت شهری و تخفیف رشد جمعیت روستایی: مهاجرت‌ها یکی از عوامل برانگیزنده رشد جمیعت شهری بوده و مهاجران اغلب به قصد استقرار در نقاط شهری به‌ویژه شهرهای بزرگ به این اقدام دست می‌زنند.

اثر مهاجرت‌ها بر رشد جمیعت شهری در کشورهای درحال توسعه به مراتب بیش از کشورهای توسعه یافته است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۷۸). ج) تنوع فرهنگی و انتقال تجربیات و نوآوری‌ها: یکی از پیامدهای عمده مهاجرتی از آشنایی مردم با فرهنگ و تمدن‌های مختلف است. گرچه پذیرش فرهنگی گوناگون بوسیله مهاجران و ساکنان بومی در ابتدا با مقاومت و عکس العمل‌های منفی همراه است، آنچه که در آغاز به شکل برخورد تمدن‌ها خود نمایی می‌کند، به تدریج به تعالی فرهنگی تبدیل می‌شود و از بده بستان‌های آنها فرهنگ‌های متعالی تری به وجود می‌آید. اختلاط قومی و فرهنگی یکی از ویژگی‌های عمده کشورهای مهاجر پذیر است. تبادل فرهنگی بین اقوام مختلف در کشورهایی که تحت تاثیر مهاجرت‌های سیاسی سلطه گر قرا ر می‌گیرند از روال عادی خارج شده وبه نوعی استیلای فرهنگی قوم مهاجر بر ساکنان بومی تبدیل میشود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۸۳). ه)پیامدهای قتصادی و اجتماعی مهاجرت‌ها: از عمده ترین پیامدهای اقتصادی مهاجرت‌ها تفاوت دستمزدها و شرایط کاری مهاجران با گارگران بومی است، که نوعی دو گانگی بازار کار را یش می‌آورد. در برخی از کشورها امکان کار و فعالیت برای مهاجرن یکسان نیست و این تفاوت هر چه قدمت مهاجرتی افزایش یابد، روبه کاهش می‌گذارد. از نظر اجتماعی مهاجرت نوعی کثرت گرایی در جامعه و استقرار نهادهای لازم برای حفظ خقوق بشر منجر می‌شود. پیش داوری‌های موجود درباره ارتکاب بیشتر مهاجران به رفتارهای بزهکارانه را از بین می‌برد، افراط گری‌های ملی گرایی را تعدیل می‌کند و به نوعی به اشتراک همگانی در زندگی اجتماعی منجر می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع بنیادی – کاربردی و از لحاظ روش بررسی، توصیفی – تحلیلی می باشد. شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و تحلیل ثانویه می‌باشد. داده های مورد نیاز برای این مطالعه ماتریس مهاجرت بین استانی، جمعیت و مرگ و میر بر حسب سن و جنس، تعداد موالید بر حسب جنس طی دوره های ۹۰-۱۳۸۵ تا ۹۵-۱۳۹۰ است. باتوجه به اینکه تنها منبع داده‌های مهاجرت منطقه‌ای کل کشور، سرشماری‌ها هستند درنتیجه منبع داده‌های مورد استفاده داده-های سرشماری عمومی نفوس و مسکن و نیز داده‌های دودرصد سرشماری است که برای به دست دادن تعداد مهاجران واردشده و خارج شده و نیز تعداد جمعیت بر حسب سن و جنس مورد استفاده قرار می‌گیرند. در بخش داده‌های دو درصد سرشماری، نمونه مورد نظر از داده‌های سرشماری به دست آمده است. نمونه گیری در هر سطح منطقه‌ای به صورت تصادفی ساده طبقه بندی شده، بوده و کسر نمونه‌گیری ۰,۲ درصد بوده است. بعد از تعیین اندازه نمونه در هرمنطقه با استفاده از نرم افزار SAS، نمونه انتخاب شد. به کارگیری این داده‌ها با استفاده از وزن (Weight) امکان پذیر است (مرکز امار ایران، ۱۳۹۵). داده‌های مربوط به دو واقعه حیاتی یعنی فوت و موالید نیز از داده های ثبت احوال به دست آمده است. با توجه به اهمیت و نقش جمعیت و اثر آن در برنامه‌ریزی‌های میان مدت اجتماعی- اقتصادی هرگونه تغییر

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

در حجم و رشد آن تبعات زیادی را به همراه خواهد داشت. شناخت علت تغییرات جمعیت و سهم عوامل مختلف در آن می‌تواند چشم انداز روشن تری را برای برنامه ریزان فراهم کند. لذا پژوهش حاضر درصدد است ابتدا میزان رشد جمعیت استانی را طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ به دست دهد، پس با توجه به اینکه مهاجرت داخلی یک از سه نیروی تاثیرگذار بر تغییرات رشد جمعیت مناطق است، به این مسئله پرداخته است که مهاجرت داخلی تا چه اندازه از تغییرات رشد را بر عهده دارد و در صورت نبود هیچگونه مهاجرتی، روند تغییر رشد جمعیت برای استان به چه صورتی میتوانست باشد. لذا برای نیل به این مهم در ین مطالعه از شاخص‌های مهم نرخ مهاجرفرستی[۱] و نرخ مهاجرپذیری[۲]، میزان خالص مهاجرت[۳]، نسبت اثربخشی مهاجرت[۴]، نرخ رشد جمعیت[۵]، نرخ رشد مطلق جمعیت، نرخ رشد طبیعی جمعیت، بهره گرفته شده است.

یکی از ساده‌ترین و قدیمی‌ترین شاخص‌های مهاجرت نرخ مهاجرت به داخل منطقه یا نرخ مهاجرپذیری و نرخ مهاجرت به خارج از منطقه یا نرخ مهاجرفرستی می‌باشد. این دو نرخ علاوه بر اینکه اطلاعاتی در مورد نرخ ورود و خروج مهاجران از منطقه مورد بررسی را فراهم می‌کند همچنین پایه و اساسی برای شاخص‌های پیشرفته‌تر و قوی‌تر را نیز فراهم می‌کنند. این دو شاخص از روابط ۱ و ۲ حاصل می‌شوند.

$$OMR_j = 1000 \times \left[\frac{\sum O_j}{PAR_j}\right]$$

$$IMR_j = 1000 \times \left[\frac{\sum D_j}{PAR_j}\right]$$

(بل و همکاران، ۲۰۰۲)

در اینجا D_j تعداد مهاجرانی است که در دوره زمانی معینی وارد منطقه‌ای مشخص شده‌اند، O_j تعداد مهاجرانی است که در دوره زمانی معینی از منطقه‌ای مشخص خارج شده‌اند و PAR[۶] جمعیت در معرض همان منطقه در همان دوره زمانی است. این شاخص به صورت در ۱۰۰۰ محاسبه می‌شود.

نرخ خالص مهاجرتی نشان دهنده تراز مهاجرتی یک منطقه در یک دوره زمانی معین است. این شاخص در عین سادگی برای محاسبات مهاجرتی و نشان دادن روند و الگوهای مهاجرتی از اهمیت بسزایی برخوردار است. این شاخص از رابطه ۳ به دست می‌آید:

$$NMR = \left(\frac{\sum(D_i - O_i)}{PAR_i}\right) * 1000$$

(بل و همکاران، ۲۰۰۲)

نسبت اثربخشی مهاجرت، میزان تأثیر مهاجرت بر بازتوزیع جمعیت را نشان می‌دهد و از رابطه ۴ به دست می‌آید:

$$MER = 100 \times \left[\sum(D_i - O_i) / \sum(D_i + O_i)\right]$$

به عبارتی نرخ اثربخشی برای هر منطقه از تقسیم تفاضل مهاجران ورودی از مهاجران خروجی بر کل تعداد مهاجران (خروجی و ورودی هر منطقه) به دست می‌آید که حاصل به صورت در ۱۰۰ نشان داده می‌شود (ریس و همکاران، ۲۰۱۶). ارزش عددی به دست آمده برای این شاخص نیز نشان می‌دهد که در سطح منطقه‌ای مهاجرت چه تأثیری بر

۱ - Out-Migration Rate (OMR)
۲ - In-Migration Rate (IMR)
۳ - Net Migration Rate (NMR)
٤- Migration Effectiveness Ratio (MER)
٥- Population Growth Rate
٦ - Population At Risk

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

توزیع مجدد برجای گذاشته است. ارزش عددی منفی این شاخص نشان می‌دهد که منطقه در اثر مهاجرت، جمعیت را از دست داده است و به عکس، ارزش عددی مثبت نشان دهنده تأثیر مهاجرت داخلی بر جذب جمعیت به منطقه است. شدت این تأثیر مهاجرت بر از دست دادن یا جذب جمعیت به واسطه میزان عددی این شاخص به دست می‌آید. ارزش بالاتر نشان دهنده تأثیر بالاتر و ارزش پایین‌تر به معنی تأثیر کمتر است.

میزان یا نرخ رشد جمعیت که مهمترین شاخص مورد استفاده در اینجاست نشان‌دهنده نرخ افزایش یا کاهش جمعیت بین دو فاصله زمانی مشخص است. مقدار منفی این عدد نشان دهنده کاهش جمعیت و مقدار مثبت نشان دهنده افزایش جمعیت است. افزایش یا کاهش جمعیت تحت تاثیر سه عامل مرگ و میر، باروری و مهاجرت است. برهمین اساس با دو نوع نرخ رشد روبه رو هستیم. نرخ رشد طبیعی که بر اساس افزایش یا کاهش جمعیت به واسطه دو عامل طبیعی زادو ولد و مرگ و میر است و رشد مطلق جمعیت که علاوه بر این دو، مهاجرت را نیز دربردارد. بر این اساس:رابطه ۵:

$$r = \left(\left(\sqrt[n]{\left(\frac{P_{t+n}}{P_t}\right)} \right) - 1 \right) * 100$$

نرخ رشد مطلق P_{t+n} که جمعیت در سال مقصد، P_t جمعیت در سال مبدا و n فاصله بین دو سرشماری را نشان می-دهد. و نرخ رشد طبیعی جمعیت نیز از رابطه ۶ حاصل می‌شود:

$$r = \frac{(B - D)}{\overline{PAR_t}} * 100$$

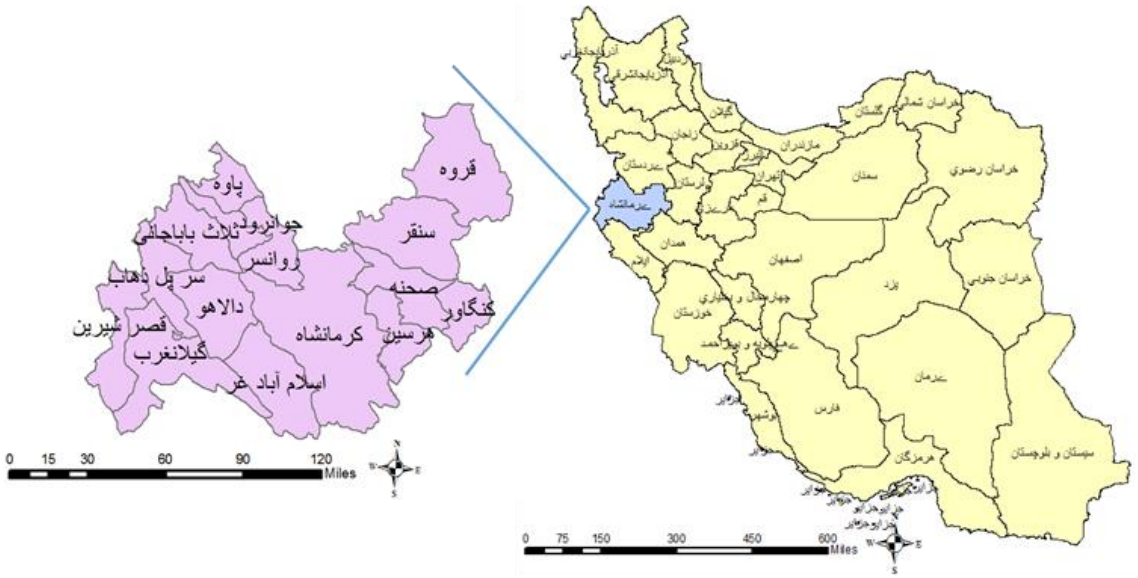
که در اینجا B زاد و ولد، D مرگ و میر و PAR جمعیت در معرض را نشان می‌دهد. (کاظمی پور، ۱۳۸۳). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای Excell, spss استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

استان کرمانشاه با مساحتی برابر با ۲۴۹۹۸ کیلومتر مربع در مرز غربی کشور، چیزی برابر با ۱,۵ درصد از کل مساحت و ۲,۴۴ درصد از جمعیت کشور را داراست. این استان به لحاظ جغرافیایی بین ۳۳ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۶ دقیقه طول شرقی واقع گردیده است. طبق آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۵ از ۱۴ شهرستان، ۳۱ بخش، ۳۲ شهر و ۸۶ دهستان تشکیل شده و مرکز آن شهر کرمانشاه می-باشد. از نظر موقعیت نسبی این استان، از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان‌های لرستان و ایلام، از شرق به استان همدان و از غرب به کشور عراق محدود شده است.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

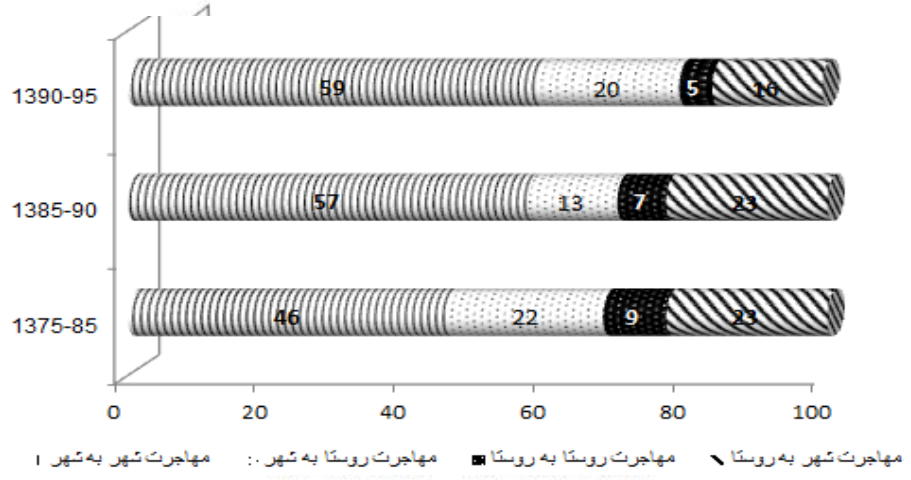


شکل ۱: موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

یافته‌های پژوهش

جریان مهاجرتی استان کرمانشاه

جریان و الگوهای مهاجرتی استان کرمانشاه طی دهه‌های اخیر نشان از مهاجرفرستی عظیم استان کرمانشاه دارد. بر اساس نتایج به دست آمده از این استان، الگوی مهاجرت‌های این استان به سمت مهاجرت‌های بین استانی گرایش دارد بطوریکه از ۳۱/۲ درصد مهاجرت بین استانی در دوره ۸۵-۱۳۷۵ به ۴۵ درصد در دوره ۹۵-۱۳۹۰ رسیده است که با توجه به جریان مهاجرفرستی این استان، باید اظهار داشت که هر ساله جمعیت زیادی از استان کرمانشاه خارج می‌شوند. همچنین بررسی وضعیت مهاجرت‌های شهری و روستایی این استان نیز نشان داد که همسو با الگوی مهاجرتی کشور، عمده مهاجرت‌های کرمانشاه نیز به صورت شهر به شهر و سپس روستا به شهر بوده است. نمودار ۱ الگوهای مهاجرتی استان کرمانشاه طی بیست ساله اخیر را نشان می‌دهد.



شکل ۲. الگوهای مهاجرت درون استانی و بین استانی طی سال‌های ۹۵-۱۳۷۵

همچنین بر اساس آنچه در جدول ۱ ارائه شده است، طی هر سه دوره سرشماری همواره تعداد مهاجران وارد شده به استان کمتر از تعداد مهاجران خارج شده بوده و همین امر موجب شده است که استان کرمانشاه طی این سه دوره به

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

ترتیب با میزان‌های خالص مهاجرت ۶/۳-، ۱/۹- و ۱/۸- از مهاجرفرست‌ترین استان‌های کشور باشد. شدت مهاجرفرستی، مهاجرپذیری و همچنین نسبت اثربخشی مهاجرت این استان نشان می‌دهد که گرچه طی بیست سال اخیر از شدت مهاجرت در این استان کاسته شده اما جریان مهاجرت همواره منفی بوده و بر اساس نسبت اثربخشی مهاجرتی نیز، تاثیری کاهشی بر جمعیت داشته است.

جدول ۱. مهاجران وارد شده، خارج شده و خالص مهاجرتی استان کرمانشاه ۹۵-۱۳۷۵

	دوره مهاجرتی		
	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰	۱۳۹۰-۹۵
تعداد مهاجران واردشده	۸۰۸۱۹	۳۹۲۶۲	۴۲۶۲۵
تعداد مهاجرن خارج شده	۱۹۹۹۴۷	۷۷۹۸۱	۷۷۵۵۳
تعداد خالص مهاجرت	-۱۱۹۱۲۸	-۳۸۷۱۹	-۳۴۹۲۸
نسبت مهاجران وارد شده به خارج شده	۰/۴۰	۰/۵۰	۰/۵۴
میزان خالص مهاجرت[1]	-۶/۳	-۱/۹	-1/8
میزان مهاجرپذیری	۴/۳	۲/۰۲	۲/۱۸
میزان مهاجرفرستی	۱۰/۶	۴/۰۱	۳/۹۷
نسبت اثربخشی مهاجرت	-۴۲/۴	-۳۳/۰۲	-۲۹/۰۶

(ماخذ: داده‌های سرشماری و محاسبات نویسنده)

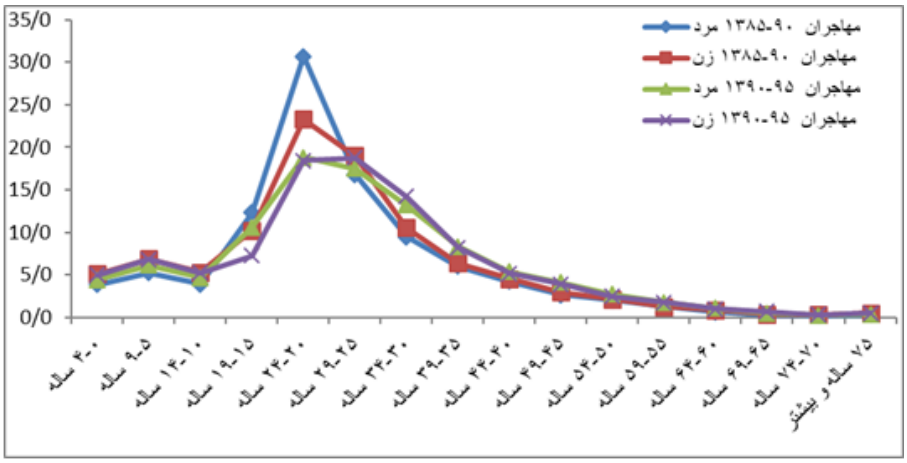
در تراکم تعداد خالص مهاجرت استان کرمانشاه، تقریبا همه استان‌های کشور نقش کاهنده در خالص مهاجرت این استان دارند. در دوره ۸۵-۱۳۷۵ خالص مهاجرت این استان با سایر استان‌ها منفی به دست آمده است. در دو دوره بعدی تنها با چند استان محدود و به اندازه جزئی دارای مبادله جمعیتی مثبت بوده است. در دوره ۹۰-۱۳۸۵ استان‌های آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان، سیستان و بلوچستان، فارس و هرمزگان تنها استان‌هایی بوده‌اند که استان کرمانشاه با آنها دارای تراکم جمعیت مثبت بوده‌است و در دوره ۹۵-۱۳۹۰ نیز علاوه بر استان‌های دوره قبل، استان کرمانشاه با استان‌های آذربایجان شرقی، ایلام، خراسان رضوی، زنجان نیز دارای موازنه مهاجرتی مثبت بوده است. بااین وجود استان‌های تهران، البرز، مرکزی، کردستان و همدان در جذب بالای مهاجران استان کرمانشاه و بالانگه داشتن خالص مهاجرت منفی این استان، به اندازه‌ای تاثیرگذار عمل کرده‌اند که موجب ترازمهاجرتی منفی این استان شده‌اند.

بحث مهاجرت و مهاجرفرستی استان کرمانشاه زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که الگوی سنی مهاجرانی که از این استان خارج می‌شوند مورد توجه قرار گیرد. به مانند الگوی سنی مهاجرین کل کشور، عمده مهاجرین استان در سنین ۴۰-۱۵ ساله قرار دارند، یعنی سنین کار و فعالیت اقتصادی و ازدواج و باروری. نمودار زیر الگوی سنی مهاجران استان را نشان می‌دهد.

۱- علت تفاوت زیاد میزان خالص مهاجرت دوره ۸۵-۱۳۷۵ با دو دوره بعدی، تفاوت طول دوره سرشماری است که از ده به پنج سال تغییر کرده است.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]



شکل ۳. الگوی سنی مهاجران استان کرمانشاه در دو دوره ۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰

ماخذ: داده‌های سرشماری و محاسبات نویسنده)

این ترکیب سنی به همراه خروج جمعیت از استان کرمانشاه منجر به از دست دادن نیروی مولد اقتصادی و نیز جمعیتی در استان شده است. بنابراین بدیهی است که این روند از مهاجرت هم به طور مستقیم و به واسطه از دست دادن جمعیت و نیز به صورت غیرمستقیم به دلیل از دست دادن جمعیت جوان که موجب کاهش باروری و درنتیجه نرخ رشد طبیعی می‌شود، روی رشد جمعیت استان تاثیر می‌گذارد. اما این مهم که مهاجرت تا چه میزان موجب تغییر رشد جمعیت می‌شود مسئله اصلی این مطالعه است که در قسمت بعدی مورد بررسی قرار گرفته است.

اثر مهاجرت بر رشد جیت استان کرمانشاه

بر اساس نتایج به دست آمده جمعیت استان کرمانشاه طی هر دو دوره دارای افزیش بوده است چنانچه طبق جدول ۲ جمعیت این استان از ۱۸۷۹۳۸۴ نفر در سال ۱۳۸۵ به ترتیب به ۱۹۴۳۱۳۱ و ۱۹۵۲۴۳۴ نفر در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ رسیده است. آنچه از تعداد جمعیت استان برمی‌آید حاکی از افزایش تعداد مطلق جمعیت استان در هر دو سال است گرچه افزایش جمعیت استان طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بیشتر از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بوده است.

جدول۲ . جمعیت و نرخ رشد سالانه استان کرمانشاه به تفکیک جنس

	کل	مرد	زن
۱۳۸۵	۱۸۷۹۳۸۴	۹۵۷۳۲۵	۹۲۲۰۵۹
۱۳۹۰	۱۹۴۳۱۳۱	۹۸۱۵۲۲	۹۶۱۶۰۹
۱۳۹۵	۱۹۵۲۴۳۴	۹۸۸۰۱۵	۹۶۴۴۱۹
نرخ رشد جمعیت ۹۰-۱۳۸۵	۰/۶۷	۰/۵۰	۰/۸۴
نرخ رشد جمعیت ۹۵-۱۳۹۰	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۰۶

ماخذ: داده‌های سرشماری و محاسبات نویسنده)

بر اساس جمعیت استان طی سال‌های مورد بحث، دو نوع نرخ رشد سالیانه استان برای هر دو دوره برآورد شده است؛ که در جدول ۲ ارائه شده است. بر این اساس نرخ رشد سالانه استان کرمانشاه (رشد مطلق) طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ برابر با ۰/۶۷ درصد بوده است درحالیکه این نرخ طی دوره ۹۵-۱۳۹۰ به ۰/۱۰ درصد کاهش پیدا کرده است. این میزان تغییر و کاهش نرخ رشد در میان مردان و زنان به یکسان نبوده و کاهش نرخ رشد جمعیت در میان زنان بیشتر بوده است؛ بطوریکه زنان از جمعیتی برابر با ۹۲۲۰۵۹ نفر با نرخ رشد سالانه‌ای برابر با ۰/۸۴ درصد به ۹۶۱۶۰۹ نفر در سال ۱۳۹۰

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

رسیده است. اما در این دوره با کاهش نرخ رشد سالانه به ۰/۰۶درصد، طی پنج سال با افزایشی ۲۸۱۰ نفری، به ۹۶۴۴۱۹ نفر رسیده است.

نرخ رشد به دست آمده رشد مطلق جمعیت است که تحت تاثیر مرگ و میر و باروری (رشد طبیعی) و مهاجرت قرار دارد. باتوجه به نرخ منفی و بالای مهاجرت در استان کرمانشاه طی چند ساله اخیر و الگوی سنی مهاجران، این میزان مهاجرت تاثیر قابل توجهی بر نرخ رشد استان گذاشته است. بر اساس آنچه در جدول ۳ مشاهده می‌شود طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ استان دارای خالص مهاجرت ۳۷۷۵۵- نفر بوده است، در همین زمان تعداد موالید و مرگ و میرهای ثبت شده نیز به ترتیب برابر با ۱۶۸۹۷۳ و ۴۵۱۷۷ نفر بوده است؛ بر این اساس نرخ رشئ سالانه استان بدون احتساب مهاجرت و صرفا نرخ رشد طبیعی آن برابر با ۱/۱ درصد بوده است این درحالی است که نرخ رشد مطلق آن برابر با ۰/۶۷ درصد به دست آمده است. درنتیجه می‌توان اظهار داشت که میزان خالص مهاجرت در این دره موجب شده است که نرخ رشد استان به اندازه ۰/۳۳ کاهش داشته باشد. به عبارتی در صورتی که مهاجرتی در استان وجود نداشت نرخ رشد سالیانه استان به ۱/۱ درصد می‌رسید. پس در دوره ۹۰-۱۳۸۵ مهاجرت تاثیری کاهشی بر نرخ رشد داشته است (جدول ۳).

جدول۳. نرخ رشد مطلق و طبیعی استان کرمانشاه به تفکیک جنس

	۹۰-۱۳۸۵			۹۵-۱۳۹۰		
	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
خالص مهاجرت	۳۷۷۵۵-	۱۸۵۳۲-	۱۹۲۲۳-	۳۴۹۲۸-	۱۴۷۴۲-	۲۰۱۸۶-
تعداد موالید	۱۶۸۹۷۳	۹۴۲۶۸	۷۴۷۰۵	۱۷۵۶۶۲	۹۱۷۵۸	۸۳۹۰۴
تعداد مرگ و میر	۴۵۱۷۷	۲۷۱۳۲	۱۸۰۴۵	۵۰۸۰۶	۲۹۹۳۸۷	۲۰۸۶۸
نرخ رشد مطلق	۰/۶۷	۰/۵۰	۰/۸۴	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۰۶
نرخ رشد طبیعی	۱/۱	۰/۹	۱/۲	۰/۴۵	۰/۴	۰/۵

ماخذ: داده‌های سرشماری و محاسبات نویسنده)

بر اساس آنچه در جدول فوق مشاهده می‌شود همین تاثیر کاهشی در میان هر دو جنس نیز مشاهده می‌شود. بطوریکه میزان خالص مهاجرت منفی در میان مردان و زنان به ترتیب موجب کاهش ۰/۳۸ و ۰/۴۰ درصدی نرخ رشد جمعیت شده است.

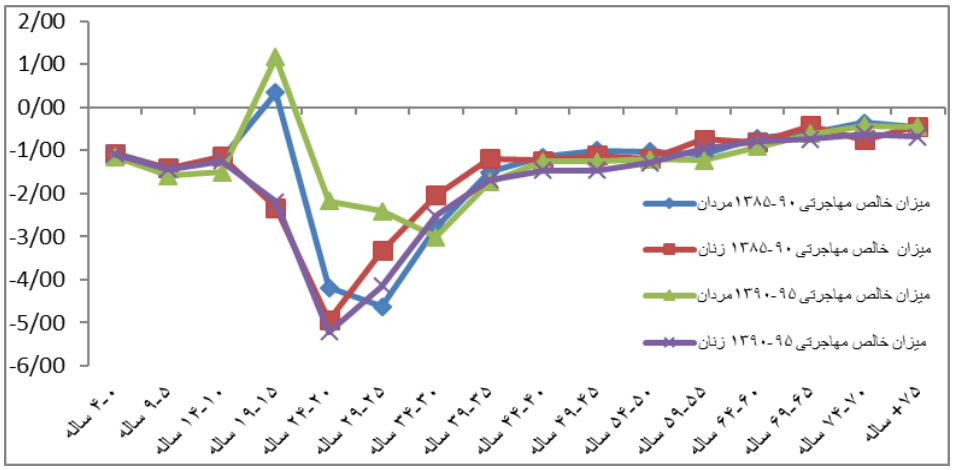
در دره ۹۵-۱۳۹۰ با کاهش اندک خالص مهاجرت منفی از یک سو و افزایش تعداد موالید از سوی دیگر، تاحدی از تاثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت استان کاسته شده است اما همچنان تاثیر کاهنده خود را حفظ کرده است. بر اساس یافته-های تحقیق، نرخ رشد مطلق سالانه جمعیت استان برابر با ۰/۱۰ به دست آمده است درصورتیکه نرخ رشد طبیعی جمعیت استان کرمانشاه برابر با ۰/۴۵ درصد بوده است که این نشان از کاهش ۰/۳۶ درصدی نرخ رشد به دلیل خالص مهاجرت منفی استان بوده است. این کاهش نرخ رشد جمعیت در میان زنان و مردان هم دیده می‌شود گرچه این کاهش نرخ رشد در دوره ۹۵-۱۳۹۰ در میان زنان بیشتر از مردان بوده است و باتوجه به خالص مهاجرتی بالاتر زنان، امری بدیهی است.

مهاجرت و رشد گروه‌های سنی

باتوجه به الگوی سنی مهاجران، این شاخص (میزان خالص مهاجرت) روی رشد گروه‌های سنی تاثیرات متفاوتی را برجایی می‌گذارد. نمودار سنی میزان خالص مهاجرت استان کرمانشاه طی دو دوره را نشان می‌دهد. همانطور که در نمودار ملاحظه می‌شود خالص مهاجرت در همه گروه‌های سنی در استان دارای تراز منفی است تنها در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله در هر دو دوره این میزان مثبت بوده است (۰/۳۴ و ۱/۱۷ در صد نفر به ترتیب برای دوره‌های ۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰). این میزان سنی خالص مهاجرت موجب تفاوت در تاثیر گذاری در سنین مختلف شده است.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]



شکل ۴. الگوی سنی میزان خالص مهاجران استان کرمانشاه در دو دوره ۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰

ماخذ: داده‌های سرشماری و محاسبات نویسنده)

برای نشان دادن تاثیر مهاجرت در رشد گروه‌های سنی مختلف نیز به مانند کل جمعیت، رشد هر یک از گروه‌های سنی پنج سال بر حسب دونوع رشد مطلق و رشد طبیعی محاسبه شده است. نتایج در جدول ۴ ارائه شده است. بر اساس آنچه در جدول زیر مشاهده می‌شود.

جدول۴. نرخ رشد مطلق و طبیعی استان کرمانشاه به تفکیک جنس و سن

گروه سنی	نرخ رشد مطلق جمعیت						نرخ رشد طبیعی جمعیت					
	۱۳۸۵-۹۰			۱۳۹۰-۹۵			۱۳۸۵-۹۰			۱۳۹۰-۹۵		
	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
۴-۰	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....	.....
۹-۵	۰/۱۹	۰/۱۴	۰/۲۴	-۰/۲۸	-۰/۲۳	-۰/۳۴	۰/۴۷	۰/۴۳	۰/۵۲	۰/۰۲	۰/۰۹	-۰/۰۵
۱۴-۱۰	۰/۵۸	۰/۵۱	۰/۶۶	-۰/۲۸	۰/۲۴	-۰/۳۲	۰/۸۱	۰/۷۵	۰/۸۹	۰/۰۰	۰/۰۶	-۰/۰۷
۱۹-۱۵	-۰/۲۶	-۰/۰۴	-۰/۵۰	-۱/۲۲	-۰/۸۱	-۱/۶۶	-۰/۰۸	-۰/۱۱	-۰/۰۴	-۱/۱۴	-۱/۰۴	-۱/۲۴
۲۴-۲۰	-۱/۳۱	-۱/۳۴	-۱/۲۹	-۲/۳۹	-۲/۴۸	-۲/۲۹	-۰/۴۳	-۰/۵۲	-۰/۳۳	-۱/۶۸	-۲/۰۶	-۱/۲۹
۲۹-۲۵	-۱/۷۷	-۲/۳۵	-۱/۱۷	-۲/۰۹	-۲/۲۷	-۱/۹۰	-۱/۰۰	-۱/۴۶	-۰/۵۲	-۱/۴۶	-۱/۸۰	-۱/۱۰
۳۴-۳۰	-۱/۱۳	-۱/۳۵	-۰/۹۱	-۱/۳۲	-۱/۴۱	-۱/۲۴	-۰/۶۶	-۰/۸۱	-۰/۵۱	-۰/۷۸	-۰/۸۲	-۰/۷۴
۳۹-۳۵	-۰/۲۲	-۰/۲۹	-۰/۱۵	-۰/۸۰	-۰/۷۵	-۰/۸۴	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۹	-۰/۴۶	-۰/۴۰	-۰/۵۱
۴۴-۴۰	-۰/۲۱	-۰/۳۱	-۰/۱۱	-۰/۷۶	-۰/۷۵	-۰/۷۶	۰/۰۳	-۰/۰۸	۰/۱۴	-۰/۴۹	-۰/۵۱	-۰/۴۷
۴۹-۴۵	-۰/۴۳	-۰/۵۸	-۰/۲۸	-۰/۹۱	-۰/۹۵	-۰/۸۶	-۰/۲۲	-۰/۳۹	-۰/۰۶	-۰/۶۴	-۰/۷۱	-۰/۵۷
۵۴-۵۰	-۰/۲۹	-۰/۵۶	-۰/۰۳	-۱/۰۰	-۱/۰۳	-۰/۹۶	-۰/۰۷	-۰/۳۵	۰/۲۰	-۰/۷۵	-۰/۸۰	-۰/۷۱
۵۹-۵۵	-۰/۸۳	-۱/۱۳	-۰/۵۳	-۱/۳۸	-۱/۵۰	-۱/۲۶	-۰/۶۵	-۰/۹۲	-۰/۳۸	-۱/۱۶	-۱/۲۶	-۱/۰۷
۶۴-۶۰	-۰/۴۲	-۱/۰۳	۰/۰۹	-۱/۴۱	-۱/۵۳	-۱/۲۹	-۰/۲۷	-۰/۸۹	۰/۲۵	-۱/۲۴	-۱/۳۵	-۱/۱۴
۶۹-۶۵	-۱/۹۲	-۲/۴۴	-۱/۴۸	-۲/۰۴	-۲/۳۰	-۱/۸۳	-۱/۸۳	-۲/۳۲	-۱/۴۰	-۱/۹۱	-۲/۱۸	-۱/۶۹
۷۴-۷۰	-۱/۳۱	-۲/۵۵	۰/۰۷	-۲/۹۳	-۲/۸۶	-۲/۹۹	-۱/۱۹	-۲/۴۸	۰/۲۲	-۲/۸۳	-۲/۷۸	-۲/۸۷
+۷۵	-۶/۴۰	-۶/۷۰	-۶/۱۱	-۸/۲۳	-۷/۸۴	-۸/۶۸	-۶/۳۱	-۶/۶۱	-۵/۹۳	-۸/۱۳	-۷/۷۶	-۸/۵۶

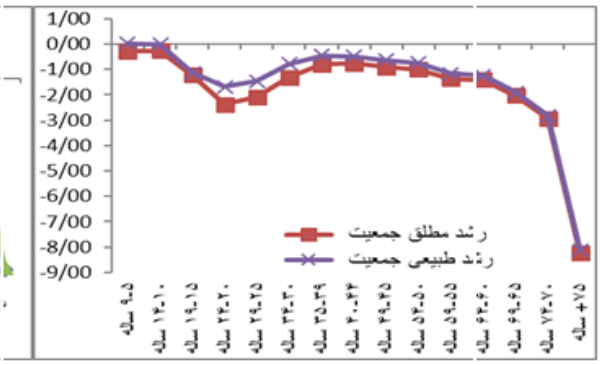
ماخذ: داده‌های سرشماری و محاسبات نویسنده)

همانگونه که در جدول بالا ارائه شده است، نرخ رشد مطلق جمعیت در همه گروه‌های سنی منفی بوده است تنها در دوگروه سنی ۹-۵ و ۱۴-۱۰ ساله، درو دوره ۹۰-۱۳۸۵ نرخ رشد مطلق جمعیت مثبت بوده است اما در دوره بعد یعنی ۹۵-۱۳۹۰ نرخ رشد مطلق این دو گروه جمعیتی نیز منفی شده است. همچنین الگوی جنسی یکسانی در کاهش یا

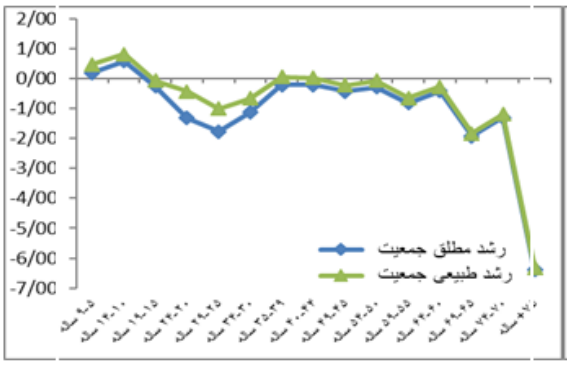
[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

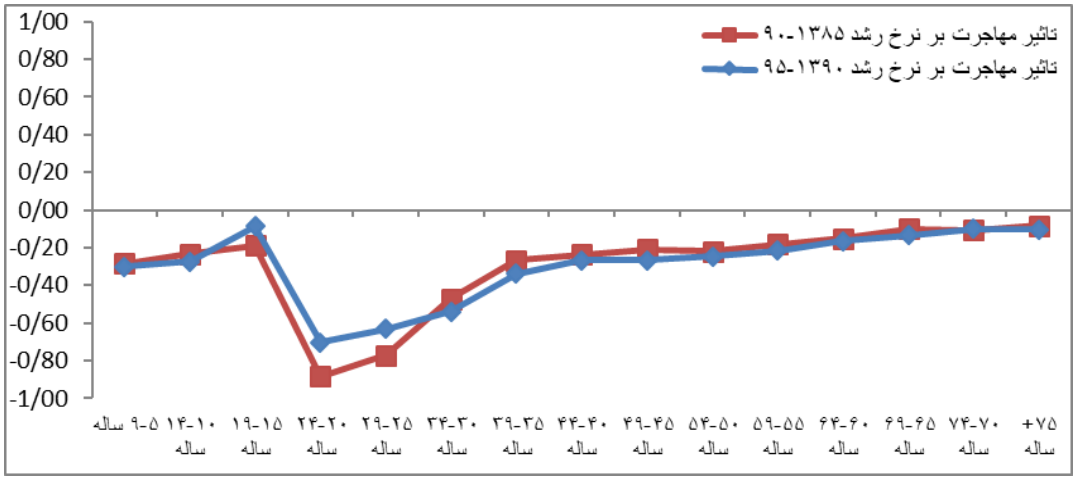
افزایش نرخ رشد سالانه گروه‌های سنی مشاهده می‌شود. یافته‌های نرخ رشد طبیعی گروه‌های سنی گویای واقعیتی دیگر بود. در همه گروه‌های سنی مهاجرت موجب کاهش جمعیت شده است. درواقع اگر مهاجرت در استان کرمانشاه نادیده گرفته شود، نرخ رشد جمعیت در هر یک از گروه‌های سنی تا میزان قابل توجهی افزایش داشت. به مانند الگوی سنی میزان خالص مهاجرت، بیشترین تاثیر مهاجرت بر نرخ رشد گروه‌های سنی میانی یعنی سنین ۴۴-۱۵ ساله بوده است. اما همانگونه که اشاره شد تاثیر مهاجرت بر همه گروه‌های سنی کاهشی بوده است. نمودارهای ۴، ۵ و ۶ الگوی سنی نرخ رشد و نیز تاثیر مهاجرت بر رشد گروه‌های سنی هر دو دوره را نشان می‌دهند.



شکل ۵. الگوی سنی نرخ رشد طبیعی و مطلق استان کرمانشاه ۹۰-۱۳۸۵



شکل ۶. الگوی سنی نرخ رشد طبیعی و مطلق استان کرمانشاه ۹۵-۱۳۹۰



شکل ۷. تاثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت گروه های سنی دو دوره ۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰
ماخذ: داده‌های سرشماری و محاسبات نویسنده)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در نتیجه گذار جمعیت، همگرایی میزان‌های موالید و مرگ و میر در نقاط مختلف کشور از یک سو و افزایش امیدزندگی و رسیدن میزان موالید به سطح جانشینی از سوی دیگر، حال مهاجرت و جابجایی جمعیت، نقش مهم و اساسی در تغییر و نرخ رشد جمعیت مناطق کشور را برعهده دارد. همچنین با توجه به توسعه اقتصادی-اجتماعی ناموزون و نامتعادل در بخش‌های مختلف کشور، قطب‌های توسعه یافتگی عظیمی در کشور شکل گرفته است که با تمرکز امکانات و خدمات و درنتیجه فرصت‌های شغلی و آموزشی، به مقصد مورد توجهی برای مهاجران تبدیل شده‌اند. همین امر موجب شده است که مناطق خاصی در کشور که عمدتا استان‌های توسعه یافته هستند، جمعیت زیادی را از سایر نقاط کشور، عمدتا استان-های کمتر توسعه یافته، به خود جذب کنند (صادقی و شکریانی، ۱۳۹۵؛ شهبازین، عباسی شوازی و عسکری ندوشن،

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

۱۳۹۶). شکل گیری جریان‌های وسیع مهاجرتی در کشور موجب شده است که مهاجرت و بازتوزیع جمعیت ناشی از آن در داخل کشور، از مهمترین محورهای سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی برای نظم بخشیدن به جابجایی‌های جمعیتی و هدایت سیل مهاجران به‌شمار رود.

در قطب بندی سطوح توسعه یافتگی استان‌های کشور، استان کرمانشاه باوجود موقعیت جغرافیایی و سیاسی، علی رغم دارا بودن پتانسل لازم برای فعالیت‌های کشاورزی و تولیدی، در زمره استان‌های کمتر توسعه یافته قرار دارد که به واسطه ضعف و کمبود در امکانات و خدمات و به ویژه امکان فرصت‌های شغلی، به استانی مهاجرفرست تبدیل شده است.

طی هر دوره مهاجرتی، استان کرمانشاه چیزی حدود دو درصد از جمعیت خود را به صورت مهاجر روانه سایر استان‌های کشور می‌کند. یکی از عمده دلایل آن میزان بیکاری استان بوده است، بطوریکه میزان بیکاری استان کرمانشاه طی چند ساله اخیر از بالاترین نرخ‌های کشور بوده و همواره مقام دوم نرخ بیکاری را در کشور داشته است. جنبه‌ی عمده بیکاری در استان کرمانشاه همچون وضعیت کلی کشور، متمرکز بر جوانان است؛ به‌طوریکه مطابق آمارها میزان بیکاری آشکار در میان جمعیت جوان دو برابر و گاه بیش از دو برابر میزان بیکاری آشکار در میان کل نیروی کار است (مسیبی، ۱۳۹۰: ۱۳؛ محمدی فر و الماسی فرد، ۱۳۹۹: ۱۱۹). در نتیجه این عوامل بر اساس داده‌های سرشماری کشور، استان کرمانشاه در زمینه مهاجرفرستی به عنوان یکی از استان‌های موردتوجه بوده است. در چهار سرشماری اخیر این استان دارای خالص مهاجرتی منفی قابل توجهی بوده است بطوریکه دومین استانی است که تعداد زیادی از جمعیت خود را به دلیل مهاجرت از دست داده است.

مطالعه جریان‌های مهاجرتی استان نشان‌می‌دهد که استان کرمانشاه در دوره ۷۵-۱۳۶۵ با وضعیتی نامطلوب عمده مهاجران خود را راهی استان‌های همدان و آذربایجان غربی می‌کرده است (زنجانی، ۱۳۸۰) پدیده‌ای که تا سال ۱۳۹۵ نیز همچنان ادامه پیدا کرده است. طی دوره‌های بعدی یعنی ۸۵-۱۳۷۵، ۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰ همواره استان دارای خالص مهاجرتی منفی بوده است که درنتیجه می‌توان گفت کرمانشاه به شدت مهاجرفرست است. استان کرمانشاه سال-های ۹۵-۱۳۷۵ همواره دارای نرخ بیکاری بسیار بالاتری در مقایسه با میانگین کشوری بوده است، درنتیجه می‌توان نرخ بالای بیکاری را یکی از عوامل اصلی دافعه در این استان به شمار آورد. در جریان مهاجرت از استان کرمانشاه، مقصد عمده مهاجرات استان تهران، البرز و همدان بوده است که عمده دلیل انتخاب این مراکز جمعیتی علاوه بر امکانات و فرصت‌های بهتر اشتغال و زندگی (جاذبه‌های قوی‌تر مهاجرت)، نزدیکی جغرافیایی و منطقه‌ای نیز بوده است. در دوره ۸۵-۱۳۷۵ استان کرمانشاه با هیپ یک از استان‌های کشور مبادله جمعیتی مثبتی را نداشته است در حالیکه در دو دوره بعد با استان‌هایی مانند خوزستان، لرستان، هرمزگان و .... مبادله مهاجرتی مثبت، هرچند جزئی داشته است؛ این عامل می‌تواند نشان دهد که درصورت برنامه‌ریزی و اعمال سیاست‌های درست میتوان از شدت مهاجرفرستی این استان کاهش داد.

مهاجرت چه به صورت داخلی و چه بین المللی عاملی در بازتوزیع جمعیت و افزایش جمعیت مناطق مهاجرپذیر و در مقابل کاهش جمعیت مناطق مهاجرفرست است. استمرار شدت و میزان مهاجرفرستی و همچنین مهاجرپذیری، هر یک به نحوی در بلند مدت پیامدهای منفی را به برای هر دو منطقه به همراه دارد. اولین و یکی از مستقیم‌تین این تاثیرات، تاثیر بر نرخ رشد جمعیت و درنتیجه حجم جمعیت است. با وجود این مهم و تاثیراتی که مهاجرت هم در کوتاه مدت (مهاجران خارج شده و وارد شده) و هم در بلندمدت (تاثیر تغییر سبک رفتار باروری مهاجران در بلندمدت و میل به سطح باروری مقصد) بر روی نرخ رشد جمعیت دارد(شهبازین، ۱۴۰۱)، اما متاسفانه تاکنون کمتر و معدود مطالعه‌ای به بررسی سهم مهاجرت در نرخ رشد جمعیت پرداخته است. درواقه این مطالعه از انگشت شمار تحقیقاتی است که تلاش کرده است نشان دهد در صورت کنترل و مدیریت مهاجرت در مناطق مختلف، نرخ رشد جمعیتی آنها چه تغییری خواهد داشت. همانگونه که اشاره شد استان کرمانشاه به صورت مستمر طی سالیان طولانی دارای خالص مهاجرتی منفی بوده است که

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

این موجب از دست رفت نسبتی از جمعیت این استان شده است. باتوجه به میزن و سطخ خالص مهاجرتی استان کرمانشاه، نسبت به افزایش طبیعی جمعیت، مهاجرت داخلی نقش مهمی در تقلیل جمعیت این استان دارد.

نتایج بررسی میزان رشد جمعیت این استان نشان داد که مهاجرت در هر دو دوره ۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰ تاثیر منفی زیادی بر نرخ رشد جمعیت گذاشته است که در صورت حذف آن، استان به نرخ رشد جمعیتی برابر با ۱/۱ و ۰/۴۵ درصد می‌رسیده است که در مقایسه با نرخ رشد مطلق استان، رقم بالایی است. علاوه بر کاهش نرخ رشد، کاهش جمعیت فعال اقتصادی و برهم خوردن ساختار سنی و جنسی جمعیت استان نیز از دیگر پیامدهای مهاجرت در استان کرمانشاه است. باتوجه به الگوی سنی مهاجرین، این سطح از مهاجرت موجب از دست دادن نسبت زیای از جمعیت ۴۴-۱۵ ساله شده است، جمعیتی که از نظر اقتصادی فعال و درواقع پتانسیل رشد اقتصادی و جمعیتی استان بوده است. چه بسا از دست دادن این گروه جمعیتی علاوه بر از هدررفت نیروی جوان فعال، موجب از دست دادن جمعیتی است که مسئول افزایش طبیعی جمعیت (ازدواج و باروری) نیز می‌باشند.

عوامل دافعه زیادی از جمله بالابودن نرخ بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی، پایین بودن سطح درآمد، ضعف و کمبود امکانات رفاهی و آموزشی، هزینه بالای زندگی، ناامنی سرمایه گذاری و..... با قرار گرفتن در کنار عوامل جاذب مقصد، موجب این سطح از مهاجرت در استان کرمانشاه است. بنابراین به نظر می‌رسد برای کاهش میزان مهاجرفرستی استان باید توسعه فرصت‌های شغلی پایدار و رفاه اجتماعی، حمایت از بازگشت مهاجران، توسعه روستایی و بهبود رفاه روستایی، ایجاد بنگاه‌های اقتصادی پایدار، توسعه صنایع کوچک و متوسط، حمایت از سرمایه‌گذاری‌های محلی، تاسیس مناطق اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زمینه بهداشت و آموزش و..... باید در مدیریت و برنامه‌ریزی‌های استانی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

خباز بهشتی، زهرا (۱۳۸۱)، مهاجرت: بررسی مشکلات مهاجران در جهان، تهران، آشیانه کتاب.

خسروی، اردشیر؛ آقامحمدی، سعیده؛ کاظمی، الهه؛، فرشادپور، ملک؛ شریعتی، محمد (۱۳۹۱)، سیمای مرگ‌ومیر در ۲۹ استان کشور طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹، زارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، تهران.

زمانی، فریبا (۱۳۸۸)، اهمیت جمعیت‌شناسی در برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین (با تأکید بر مطالعه مهاجرت‌های استانی)، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۹ و ۷۰. دوره پاییز و زمستان، صص: ۱۳۲-۱۰۷.

زنجانی، حبیب اله (۱۳۷۸)، تحلیل جمعیت‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.

زنجانی، حبیب اله (۱۳۸۰)، مهاجرت، نشر سمت، تهران، چاپ اول.

ساسانی پور، محمد، کوششی، مجید، عسکری ندوشن، عباس و خسروی، اردشیر (۱۳۹۶)، نقش تغییرات سن و علت مرگ در افزایش امید زندگی در ایران در دهه اخیر، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران،دوره ،12شماره ۲۴، صص: ۱۳۴-۱۰.

شهبازین، سعیده (۱۴۰۱)، بررسی سهم مهاجرت در تغییر نرخ رشد جمعیت استان‌های کشور طی دوره زمانی ۹۵-۱۳۸۵ .فصلنامه جمعیت، جلد ۲۸، شماره ۱۱۵ و ۱۱۶، صص: ۱۶۷-۱۳۳.

شهبازین، سعیده، عباسی شوازی، محمدجلال، عسکری ندوشن، عباس (۱۳۹۷)، نقش مهاجرت داخلی در بازتوزیع جمعیت ایران (دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۷۰)، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۱۳، شماره ۲۵، صص:۶۶-۳۳.

صادقی، رسول؛ شکریانی، محسن (۱۳۹۵)، تحلیل نوسانات فضایی تأثیر توسعه بر مهاجرت داخلی بین شهرستانی در ایران، مجله توسعه محلی، دوره ۸، شماره ۲، ۲۷۰-۲۴۵.

طالب، مهدی؛ عنبری، موسی (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران،، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

فیندلی، سلی (۱۳۷۳)، برنامه‌ریزی مهاجرتهای داخلی، ترجمه عبدالعلی لهسائی زاده،، انتشارات نوید، شیراز.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]

قاسمی سیانی، محمد (۱۳۸۸)، پیامدهای مهاجرت روستا–شهری نسل جوان روستایی، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۲. صص:۱۶۵–۱۴۵

کاظمی‌پور، شهلا؛ مبانی جمعیت‌شناسی، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۸۳، چاپ دوم.

لوکاس، دیوید و میر، پل (۱۳۸۴)، درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهرانف نشر دانشگاه تهران، چاپ چهارم.

محمدی فر، یوسف و الماسی فرد، محمدرسول (۱۳۹۹)، تبیین پیشرن‌های اجتماعی و اقتصادی تعمیق پدیده بیکاری در کرمانشاه، دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه شناسی معاصر، سال ۹، شماره ۶، صص: ۱۴۱–۱۱۷.

محمودیان، حسین؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۱)، شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی: مطالعه‌ای کیفی بر جریان‌های مهاجرت از آذربایجان شرقی به تهران، مجله توسعه محلی روستایی–شهری، دوره ۴، شماره ۱، صص: ۱۲۸–۱۰۹.

محمودیان، حسین؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سالنامه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تهران، ایران.

مسیبی، سمانه و تقدیسی، احمد (۱۳۹۲)، تحلیل فضایی و سطح بندی اشتغال در استان‌های کشور (با به کارگیری تحلیل عاملی و خوشهای،. آمایش سرزمین، دوره ۵، شماره ۲، صص: ۳۸۳–۳۶۱.

Barro, R. J., Sala-i-Martin, X., (1995). Technological diffusion, convergence, and growth (No. 735). Center Discussion Paper.

Bell, M; Charles-Edwards, E; Ueffing, P; Stillwell, J; kUPiszewski, M; kUPiszewski, D (2015) Internal Migration and Development: Comparing Migration Intensities around the World. Jour of Population and Development Review; 41(1): 33–58.

Bell, M; Blake, M; Boyle, P; Duke-Williams. O; Rees, O; Stillwell, J; Hugo, G (2002). Cross-national comparison of internal migration: issues and measures. Jour of Statist. Society; 165(3): 435–464.

Khosravi, A; Talor, R; Naghavi, M; Lopez, A (2007). Mortality in the Islamic Republic of Iran. Bulletin of the World Health Organization; 85(8): 607-614.

Kirdar, M., Sirin, S, (2007), Migration and Regional Convergence: An Empirical Investigation for Turkey," MPRA Paper 2648, University Library of Munich, Germany, revised.

Pekkala, S., & Kangasharju, A. (1998). Migration and Regional Convergence among the Finnish Subregions, 1975-95. Pellervon taloudellinen tutkimuslaitos.

Østbye, S., & Westerlund, O. (2007). Is migration important for regional convergence? Comparative evidence for Norwegian and Swedish counties, 1980–2000. Regional Studies, 41(7), 901-9.

Rees, P; Bell, M; Kupiszewski, M; Kupiszewska, D; Ueffing, P; Bernard, A; Charles-Edwards, E; Stillwell, J (2016) The Impact of Internal Migration on Population Redistribution: an International Comparison. Jour of Population. Space Place

Sasanipour M, Asadi S(2018), Epidemiologic Transition in Iran with Emphasis on the Third Stage of Transition, Journal of Community Health Research, Volume:6 Issue: 4, 2018, PP: 248 -257 .

Toya, H, Hosono, K, Tatsuji, M □2004□, Human Capital, Migration, and Regional Income Convergence in the Philippines," HiStat Discussion Paper Series d03-18, Institute of Economic Research, Hitotsubashi University, revised.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61186/jvfc.4.4.1]